irannewspaper.ir

دوشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۱۷۶
• اذان ظهر ۱۱/۴۹ • اذان مغرب ۱۷/۱۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۵/۱۵ • طلوع آفتاب فردا ۶/۴۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر غربی، پلاک ۲۰۸ • کد پستی: ۱۵۳۳۷۴۴۵۱۱
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارای گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام حسین(ع):
خوش‌خویی، عبادت است و سکوت، زینت.
تاریخ الیعقوبی، ج ۲ ص ۲۶۴

نقل قول

تأکید بر تأثیرماندگار کنگره شهدای هنرمند در جامعه

ترکیب دو مفهوم شهید و هنرمند در عنوان این کنگره، مسئولیت برگزارکنندگان را سنگین‌تر می‌کند. چنین کنگره‌هایی نباید صرفاً رویکردی تجلیلی داشته باشند، بلکه باید به دنبال ایجاد تأثیرماندگار در جامعه باشند.

شهادت یکی از عناصر مهم قدرت نرم ملی و تقویت اقتدار کشور است. شخصیت شهدا فراتر از مرزبندی‌های جناحی، سیاسی و سلیقه‌ای قرار می‌گیرد. کنگره شهدای هنرمند نیز باید با بهره‌گیری از این ظرفیت، به تقویت همبستگی اجتماعی و مشارکت طیف گسترده‌تری از جامعه کمک کند.



گزیده‌ای از صحبت‌های سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه شورای عالی سیاست‌گذاری دومین کنگره شهدای هنرمند/ ایرنا



«حمیدرضا پگاه» در «شکیب عیار»

فیلمبرداری سریال «شکیب عیار» به کارگردانی سیدعلی هاشمی و تهیه‌کنندگی بهروز مفید که از خرداد امسال آغاز شده، تا فروردین سال ۱۴۰۶ ادامه دارد. حمیدرضا پگاه در این سریال در نقش شکیب عیار بازی می‌کند. همچنین فاطمه گودرزی در قامت «خاتون» در این مجموعه ظاهر می‌شود. رامین ناصرنصیر و ایوب آقاخانی هم از دیگر بازیگران این پروژه هستند. / ایرنا



«علیرضا خمسه» با «امیدوارها» می‌آید

مجموعه تلویزیونی ۳۰ قسمتی «امیدوارها» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی داریوش یاری، با روایتی خانوادگی و فضایی آمیخته به طنز، به‌زودی پخش خود را از شبکه یک سیما آغاز می‌کند. علی استادی، ارشیا توکلی، فرخ نعمتی، پیام احمدی‌نیا، نگین معتضدی، فاطمه زارع و سیما تیرانداز از دیگر بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. / خبرآنلاین



بازگشت «ایمان صفا» به تئاتر

ایمان صفا پس از ۹ سال دوری از صحنه تئاتر، به نویسندگی و کارگردانی نمایش «این درام نیست» به پردیس تئاتر شهرزاد می‌آید. در این نمایش علاوه بر صفا، یلدا عباسی نیز نقش‌آفرینی می‌کند. این اثر در قالب کمدی‌درام طراحی شده و در کنار ایجاد فضایی برای سرگرمی و خنده، نگاهی فراتر از شوخی‌های متداول در آثار کمدی دارد. / مهر

همراهان قباد شیوا در گفت‌وگو با «ایران» از ویژگی‌های او می‌گویند

حافظه‌ای که رفت، حضوری که ماند

گروه فرهنگی-سعیده احسانی‌راد/ در یکی از روزهای پاییزی تهران، موزه هنرهای معاصر میزبان میهمانی ویژه بود؛ مردی سپیدموی با نگاهی پرسشگر که فارغ از هیاهوی پیرامون، قاب‌های روی دیوار لابی را تماشا می‌کرد و لبخندی برلب داشت.

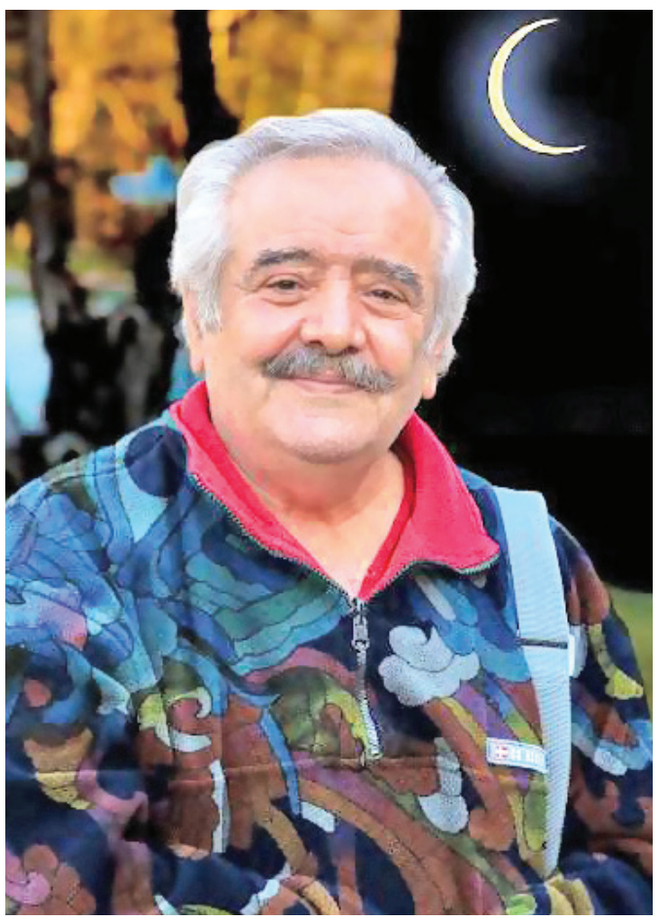
او که مدتی است با بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمی‌دانست میهمان شب بزرگداشت خودش است؛ شبی به نام «قباد شیوا». با ورود این هنرمند، شاگردان و دوستانش به استقبال او آمدند و فضا سرشار از شور و احساس شد.

بیست‌وسوم آبان‌ماه، سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران میزبان برنامه «شب‌های بخارا» با عنوان «شب قباد شیوا» بود.

استقبال چنان گسترده بود که بسیاری روی زمین نشستند یا ایستاده برنامه را دنبال کردند. در سالن، چهره‌های آشنا و ناآشنا، از طراحان جوان تا پیشکسوتان گرافیک، گرد هم آمده بودند تا در کنار قباد شیوا فیلمی را تماشا کنند که درآن، او از انتخاب نامش، داستان عاشقی، جوانی و مسیری که به گرافیست شدنش انجامید، روایت می‌کرد.

شاید او همه چیز را به یاد نمی‌آورد، اما حضورش در حافظه جمعی گرافیک ایران همچنان زنده بود؛ حضوری که با گذر زمان و حتی فراموشی، کمرنگ نمی‌شود. این نکوداشت فرصتی بود برای مرور فصلی از تاریخ گرافیک معاصر ایران و ارج نهادن به هنرمندی که با پافشاری بر استقلال و نوآوری، در گسترش زبان تصویر و ارتقای جایگاه طراحی گرافیک ایران سهمی انکارناپذیر داشته است.

در این نشست، علی دهباشی، بهزاد حاتم و بهرام دبیری درباره هنر و تأثیرگذاری قباد شیوا سخن گفتند. همچنین پیام تصویری کریم نصر پخش شد و مستند «هنگامه ارکستر مجلسی سارها به رهبری قباد شیوا» به کارگردانی وحید حسینی همدانی به نمایش درآمد.



سرسختی و زیست حرفه‌ای یک هنرمند

فرزاد ادیبی، طراح و گرافیست، با اشاره به آثار شاخص قباد شیوا، بر سرسختی و پشتکار او تأکید می‌کند.

او می‌گوید: «قباد شیوا آثار شاخص زیادی دارد. او با سرسختی ریشه‌دار در پیشینه همدانی‌اش، در سنی که معمولاً به فکر استراحت هستیم، برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در کارگاه گلیزر فعالیت کرد تا دانسته‌های تجسمی خود را که بر پایه نقاشی بود، با گرافیک روز دنیا پیوند دهد. این زیست حرفه‌ای قابل توجه است.»



ادیبی در پاسخ به این پرسش که شیوا چگونه توانست آثاری خلق کند که هم در موزه‌های معتبر جهان ارزش آرشیوی داشته باشند و هم با مخاطب عام ارتباط برقرار کنند، می‌گوید: «ما وارث فرهنگ بزرگی مانند حافظ هستیم. همه می‌توانند با حافظ ارتباط برقرار کنند. شیوا نیز چنین اعتقادی داشت و آثاری بر همین اساس خلق کرد.» او این نگاه را رویکردی فرهیخته می‌داند و به نقل از استادش مرتضی ممیز یادآور می‌شود: «باید مانند حافظ شعر گفت؛ به‌گونه‌ای که هم عوام بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و هم خواص. این ویژگی هنر شرق و هنر ایران است.»



امضای شخصی؛ راز ماندگاری آثار شیوا

علی دهباشی، سردبیر مجله «بخارا»، درباره اختصاص شبی به قباد شیوا می‌گوید: «مدت‌ها بود که قصد داشتیم یکی از شب‌های بخارا را به قباد شیوا اختصاص دهیم، اما ایشان شرایط مساعدی نداشتند. سرانجام با آماده شدن فیلم مستند درباره او، فرصت مناسبی برای برگزاری این برنامه فراهم شد.» دهباشی با اشاره به جایگاه شیوا در گرافیک ایران می‌گوید: «برخی او را ایرانی‌ترین گرافیست می‌دانند؛ اگرچه شاید این تعبیر چندان دقیق نباشد، اما بدون شک شیوا از معدود طراحانی است که آثارش مهر و امضای شخصی دارد. حتی اگر اثری امضا نداشته باشد، مخاطب به‌خوبی می‌تواند تشخیص دهد که کار قباد شیواست.» او در پایان می‌پرسد دلیل این همه تعلق خاطر و اشتیاق جوانان به قباد شیوا چیست و چنین برنامه‌هایی تا چه اندازه می‌توانند به نسل جوان در شناخت و به یاد سپردن بزرگان فرهنگ و هنر کمک کنند.



پیوند گرافیک مدرن با زیبایی‌شناسی ایرانی

مهدی سیفی، طراح گرافیک، ویژگی شاخص آثار قباد شیوا را پیوند آموزش آکادمیک گرافیک مدرن با شناخت عمیق هنر و فرهنگ بصری ایران می‌داند. او پوستر را برجسته‌ترین عرصه فعالیت شیوا و ارتباط با مردم را از اصول نگاه او به گرافیک معرفی می‌کند. سیفی می‌گوید: «برای شناخت گرافیک قباد شیوا باید دو وجه از تجربه و نگاه او را در نظر گرفت؛ آموزش و تجربه حرفه‌ای در مراکز معتبر گرافیک جهان و علاقه عمیق به هنر ایران. شیوا از معدود طراحانی است که در مدرسه پرت نیویورک تحصیل کرد و در آتلیه پوش پین، جایی که میلتون گلیزر نیز فعالیت داشت، تجربه حرفه‌ای به دست آورد.» او ادامه می‌دهد: «شیوا از یک سو آموزش‌های استاندارد گرافیک را در سطحی معتبر دریافت کرده و از سوی دیگر، به هنر ایران، از نگارگری و معماری تا قالی و نقش و نگارهای ایرانی، علاقه‌ای جدی داشته است. زیبایی‌شناسی ایرانی برای او اهمیت زیادی داشت و نگاهش به این موضوع صرفاً صوری نبود.»



از دل سنت ایرانی تا زبان مدرن گرافیک

سعید باباوند، گرافیست، قباد شیوا را هنرمندی می‌داند که نه به تقلید از سنت‌های تصویری ایران پرداخت و نه صرفاً آنها را بازتولید کرد، بلکه بر پایه این میراث، زبانی مدرن و شخصی ساخت. او می‌گوید: «ویژگی محوری گرافیک شیوا، ایرانی بودن و شیدایی است؛ ویژگی‌ای که از شناخت فرهنگ و فرهنگ بصری ایران سرچشمه می‌گیرد. در آثار او می‌توان جزئیات فراوان، رنگ‌های درخشان و بیانی پرشور را دید؛ عناصری که به بازخوانی مدرنی از ایران انجامیده‌اند.» باباوند پوستر را یکی از مهم‌ترین عرصه‌های فعالیت شیوا می‌داند و یادآور می‌شود که با وجود عمر نه چندان طولانی تاریخ طراحی گرافیک ایران، شیوا جایگاهی ویژه در پوسترسازی کشور و حتی فراتر از مرزهای آن به دست آورده است.



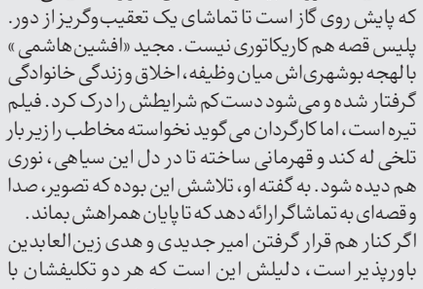
خلوص هنر ایرانی در زبان تصویر شیوا

آرش تنهایی، طراح گرافیک و سردبیر مجله «آنگاه»، درباره ویژگی‌های بصری آثار قباد شیوا می‌گوید: «اگر بخواهیم قوت قباد شیوا را با یک ویژگی بصری تعریف کنیم، باید بگوییم آثار او به‌شدت ایرانی‌اند؛ یعنی هنرهای تصویری ایران، هم در ظاهر و هم در باطن، در آنها متبلور شده است. آثار شیوا نمونه‌های خوبی برای آموزش به دانشجویان گرافیک هستند؛ اینکه چگونه می‌توان جوهره هنر ایرانی را وارد گرافیک کرد، بی‌آنکه به دام فرمالیسم و شعارزدگی افتاد.» به اعتقاد تنهایی، نقطه اوج کارنامه شیوا را باید در آثاری جست‌وجو کرد که برای رادیو و تلویزیون ملی، جلدهای مجله «تماشا» و پوسترهای جشن هنر شیراز خلق کرده است. او می‌افزاید: «استفاده از خوشنویسی، پالت رنگی مشخص و آثاری مانند پوسترهای جشن توس و بزرگداشت حافظ، نشان می‌دهند که شیوا در بسیاری از کارهای تصویری خود به نوعی خلوص ایرانی دست یافته است؛ خلوصی که به نظر من بسیار دست‌نیافتنی است.»

نما

«اسکورت»؛ اکشنی اجتماعی با بازی امیر جدیدی و هدی زین‌العابدین

زنی پشت فرمان شوتی



گروه فرهنگی-نرگس عاشوری/ در جاده‌ای که بوشهر را به شیراز وصل می‌کند، پیچی هست که نام یک زن را بر خود دارد: «پیچ شهلا». شهلا شوتی بود. بعد از جدایی از همسرش، هم نان‌آور خانه بود و هم تنها مراقب فرزندش. پیش از هر سفر مشخص می‌کرد هر وعده غذا چه ساعتی گرم شود و در میانه جاده زنگ می‌زد تا بداند بچه از مدرسه برگشته است یا نه. شبی، ماشینش از همان گردنه سقوط کرد. چند شوتی دیگر در تاریکی به محل حادثه رسیدند و پیش از آنکه پلیس باخبر شود، او را از آنجا بردند. این ماجرا را بنفشه سام‌گیس، روزنامه‌نگاری که سال‌هاست درباره قاچاق کالا گزارش می‌نویسد، روایت می‌کند. حلما، قهرمان «اسکورت»، از همین زن الهام گرفته شده است. گزارش سام‌گیس به دست یوسف حاتمی کیا رسید و پرسشی در ذهنش باقی گذاشت: زن شوتی چه شکلی است؟ خواندن گزارش او را قانع نکرد. حدود دو هفته میان شوتی‌ها گشت، با رهایی مثل سیگار را همراه آنها جابه‌جا کرد و سرعت جاده را از نزدیک تجربه کرد. آنچه دید، فیلم را شکل داد: کشاورز، کارگر کارخانه تعطیل شده و لنج‌داری که کارشان به جایی نرسیده بود و جاده تنها راه باقی مانده‌شان بود. قصه، روایت همین جاده است. حلما نه آن زن لطیف و آشنای ملودرام‌هاست و نه قربانی‌ای که منتظر کمک بنشیند؛ او نان‌آور خانه‌ای است که خودش پشت فرمان می‌نشیند. اصلان آدمی است که اگر چیزی را درست بداند، تا انتهای مسیر می‌رود. پلیس هم در سوی دیگر ماجراست. فیلم با نگاهی تند به شوتی‌ها آغاز می‌شود و هرچه جلوتر می‌رود، ابعاد بیشتری از زندگی آنها را آشکار می‌کند. بیشتر از این نمی‌شود گفت؛ ارزش دیدنش در همین آشکار شدن است.

تماشای «اسکورت» بیشتر به نشستن کنار راننده‌ای می‌ماند که پایش روی گاز است تا تماشای یک تعقیب‌وگریز از دور. پلیس قصه هم کاریکاتوری نیست. مجید «افشین هاشمی» با لهجه بوشهری‌اش میان وظیفه، اخلاق و زندگی خانوادگی گرفتار شده و می‌شود دست‌کم شرایطش را درک کرد. فیلم تیره است، اما کارگردان می‌گوید نخواسته مخاطب را زیر بار تلخی له کند و قهرمانی ساخته تا در دل این سیاهی، نوری هم دیده شود. به گفته او، تلاشش این بوده که تصویر، صدا و قصه‌ای به تماشاگر ارائه دهد که تا پایان همراهش بماند.

اگر کنار هم قرار گرفتن امیر جدیدی و هدی زین‌العابدین باورپذیر است، دلیلش این است که هر دو تکلیفشان با شخصیت خود روشن است. حاتمی کیا نقش اصلان را از ابتدا برای جدیدی نوشته بود. زین‌العابدین، به گفته او، از سرعت می‌ترسید، اما مقابل دوربین پایش را تا انتها روی گاز می‌گذاشت و بعد از هر پلان، دست‌هایش می‌لرزید و برایش آب‌قند می‌آوردند. این تضاد در نگاه حلما هم دیده می‌شود.

«اسکورت» در تعریف ژانر می‌گنجد: تعقیب‌وگریز و سرعت دارد، اما همه این عناصر در خدمت قصه‌ای اجتماعی‌اند. اکشنی که در سینمای ما کمتر دیده می‌شود و اینجا کنار آدم‌ها می‌ایستد، نه به‌جای آنها. فیلمنامه در بخش‌هایی می‌توانست دقیق‌تر باشد، اما مانع تماشا نمی‌شود.

این روزها فیلم‌هایی روی پرده‌اند که هنوز می‌شود به رفتن به سینما امیدوار بود؛ به شرط آنکه تماشاگر با اطلاعات درست انتخاب کند. «اسکورت» یکی از آنهاست.

خبرآخر



توقیف سریال «یل» با دستور قضایی

انتشار سریال «یل» با دستور قضایی دادسرای ناحیه ۳۵ تهران (فرهنگ و رسانه) تا اطلاع ثانوی به طور کامل متوقف شد. این حکم قطعی، پاسخی به انتشار محتوایی بود که به دلیل تضاد با عفت عمومی و ارزش‌های فرهنگی جامعه، واکنش‌های گسترده‌ای را برانگیخته بود. گفته می‌شود پیش از صدور این حکم نهایی، تلاش‌هایی انجام شده تا با اعمال تغییرات در نسخه پخش و حذف حدود ۲۰ ثانیه از صحنه جنجالی و مورد بحث، از حساسیت‌ها بکاهند و به نوعی از تیغ نظارت فرار کنند. سریال «یل» به کارگردانی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی ساخته شده و پخش آن از ۱۷ مهرماه ۱۴۰۵ به‌صورت اختصاصی از پلتفرم فیلم‌نت آغاز شده است. این مجموعه با روایتی جنایی و معمایی در فضای روستایی ایران در دهه ۱۳۵۰، در سه فصل هشت قسمتی تولید شده است.

صحنه

«منظومه پیامبربدی‌ها»؛ در ستایش تاریکی...

روایتی از قدرت و سقوط

گاهی شر، نه با چهره‌ای هولناک و بیگانه، بلکه از دل نزدیک‌ترین رابطه‌های انسانی سر برمی‌آورد؛ از جایی که میل به قدرت، جاه‌طلبی و وسوسه عبور از مرزهای اخلاقی، آرام‌آرام جای عاطفه و اعتماد را می‌گیرد. نمایش «منظومه پیامبر بدی‌ها»، تازه‌ترین تجربه محمد مساوات، با بازخوانی آزاد جهان «مکبث» شکسپیر، به سراغ همین قلمرو تاریک می‌رود؛ جهانی که در آن، قدرت صرفاً یک موقعیت سیاسی نیست، بلکه وسوسه‌ای درونی است که می‌تواند مناسبات انسانی را از بنیاد دگرگون کند. کارگردان این اثر، در مواجهه با یکی از شناخته‌شده‌ترین تراژدی‌های تاریخ نمایش، به‌جای بازگویی صرف داستان مکبث، بر رابطه او و لیدی مکبث تمرکز می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن، عشق، همدستی، جاه‌طلبی و خیانت به‌سادگی از یکدیگر تفکیک نمی‌شوند. در چنین جهانی، شر الزاماً از بیرون بر انسان تحمیل نمی‌شود؛ گاهی در نزدیک‌ترین فاصله، در گفت‌وگوهای خصوصی و در تصمیم‌هایی شکل می‌گیرد که در ابتدا کوچک و قابل توجیه به نظر می‌رسند، اما سرانجام به فروپاشی می‌انجامند. عنوان نمایش نیز واجد نوعی تناقض تأمل‌برانگیز است. «پیامبر بدی‌ها» گویی از شخصیتی سخن می‌گوید که نه‌فقط مرتکب شر می‌شود، بلکه مفسر و مروج آن نیز هست؛ کسی که بدی را می‌شناسد، به آن معنا می‌بخشد و شاید حتی برایش رسالتی قائل می‌شود. این عنوان، جهان نمایش را از یک روایت تاریخی درباره قدرت فراتر می‌برد و به پرسشی اخلاقی نزدیک می‌کند: انسان از چه لحظه‌ای به‌جای مقاومت در برابر شر، شروع به توجیه و پرستش آن می‌کند؟ بازگشت نگار جواهریان به صحنه تئاتر و حضور خود محمد مساوات در مقام بازیگر، در کنار مسئولیت کارگردانی، از ویژگی‌های قابل توجه این تجربه است. همچنین، انتخاب فضایی شاعرانه و رازآلود برای مواجهه با جهان مکبث، امکان فاصله گرفتن از بازنمایی متعارف یک تراژدی کلاسیک را فراهم می‌کند. نمایش «منظومه پیامبر بدی‌ها» به کارگردانی محمد مساوات، از ماه گذشته اجرای خود را در سالن یک مجموعه تئاتر لبخند آغاز کرده و همچنان هر شب ساعت ۲۰:۳۰ پذیرای مخاطبان تئاتر است.



نگاه

چراغ صحنه که خاموش می‌شود، یادمان می‌افتد

به بهانه برگزاری بزرگداشت برای خسرو احمدی و بهرام بیضایی



گروه فرهنگی - حامد قریب/ هفته گذشته نام زنده‌یاد بهرام بیضایی در مراسم بزرگداشتی گرامی داشته شد؛ بزرگداشتی دیگر برای هنرمندی که دیگر در میان ما نیست. اما در حاشیه این مراسم، حسرتی مدام تکرار می‌شد؛ اینکه چرا وقتی زنده بود، آن‌قدر که باید برای بازگشت او و اجرای آخرین نمایشش در ایران تلاش نکردیم؟

چرا باید کار به جایی برسد که هنرمندی با آن جایگاه و اعتبار، دور از صحنه‌ای که سال‌ها برایش زندگی کرد و مردمی که برایشان نوشت و آفرید، چشم از جهان فروببندد و سهم ما از او برگزاری مراسم بزرگداشت باشد؟ چرا همیشه نوشدارو پس از مرگ سهراب می‌رسد؟ تنها چند روز بعد، خانه تئاتر میزبان بزرگداشت خسرو احمدی شد؛ هنرمندی که نامش برای علاقه‌مندان تئاتر و تلویزیون، یادآور سال‌هایی سرشار از نقش‌آفرینی و خلاقیت است. ستاره‌ای از نسل هنرمندانی که روزگاری روی صحنه درخشیدند و برای ما خاطره ساختند؛ اما امروز شرایط جسمی و سلامتی‌اش چندان مساعد نیست.

این دو اتفاق، در فاصله‌ای کوتاه، ما را به فکر فرو می‌برد. انگار عادت کرده‌ایم قدر هنرمندانمان را در غیابشان بدانیم؛ یکی را وقتی دیگر نیست و دیگری را وقتی روزگار، توان و فرصت درخشش گذشته را از او گرفته است. بعضی آدم‌ها فقط بازیگر نیستند؛ بخشی از حافظه یک نسل‌اند. آدم‌هایی که با خنده‌هایشان خندیده‌ایم، با نقش‌هایشان زندگی کرده‌ایم و بی‌آنکه بدانیم، گوشه‌ای از کودکی و جوانی‌مان را به آنها سپرده‌ایم. خسرو احمدی برای بسیاری از ما یکی از همین آدم‌هاست. ارزش یک هنرمند تنها به روزهایی نیست که در مرکز نورافکن‌های صحنه ایستاده است؛ برخی هنرمندان شایسته آن هستند که حتی وقتی از صحنه دور می‌شوند، برایشان ایستاد و کلاه از سر برداشت. البته برگزاری بزرگداشت برای هنرمندان، اتفاقی ارزشمند و قابل احترام است؛ اما پرسش اینجاست که چرا گاهی این مراسم‌ها به جای آنکه بخشی از یک جریان مستمر حمایت و قدردانی باشند، به فرصتی برای جبران حسرت‌های گذشته تبدیل می‌شوند؟ چرا باید برای اجرای آخرین نمایش یک هنرمند حسرت بخوریم؟ چرا باید وقتی سلامت و توان یک هنرمند تحلیل می‌رود، تازه یادمان بیفتد که او چه جایگاهی در فرهنگ و هنر این سرزمین داشته است؟ خسرو احمدی امروز بیش از هر چیز به محبت، توجه و همراهی نیاز دارد؛ نه از سر ترحم، بلکه از سر ادای دین به هنرمندی که سال‌ها برای ما روی صحنه رفت و بخشی از زندگی هنری خود را به ما بخشید.

کاش بزرگداشت‌ها فقط مراسمی برای مرور گذشته نباشند. کاش بهانه‌ای شوند برای دیدار، حمایت، همراهی و قدرشناسی در همین امروز؛ وقتی هنوز می‌توان دست هنرمندی را فشرد و به او گفت که فراموش نشده است. هنرمندان را باید در زمان حیاتشان ستود؛ وقتی هنوز می‌توانند صدای تشویق ما را بشنوند.